

سقوط دولت " وحدت ملی " پروژۀ آمریکا ست

مجتمع نظامی - صنعتی که جناح حاکم در امپراطوری زور، کشتار و جنگ ایالات متحده ای آمریکا میباشد، برای اخراج از بحران ساختاری که از ده سال بدین سو دامنگیرش است - و همانند یک پیر سالخورده با قلب مملو از نفرت در انتظار مرگش میباشد -، چاره ای دیگری جز ادامه جنگ از طریق پایگاههای نظامی، اجیران بومی منطقوی و فرا منطقوی اش در قالب گلبدین، طالب، داعش، دولت ع و غ دولت پاکستان و جناح های مختلف خرید شده ای چون ایشچی و همسال شان و بلاخره تمام قدرت در حال سقوط خود ندارد. جنگ بعنوان یگانه راه برای غارت منابع سر شار کشورهای جهان و کشور ما (که بالاتر از هزارها ملیارد تخمین شده)، انتقال جنگ به آسیای میانه و کشور های چین و روسیه - دو رقیب سر سخت و پر قدرت آمریکا در جهان و منطقه -، و بلاخره تحت کنترل آوردن ذخائر نفت و عناصر کمیاب جهان و منطقه، تعیین شده است. این سیاست ناشی از خصلت ذاتی دوران زوال سرمایه انحصاری بوده، که اگر جلوش گرفته نشود، سبب نابودی بشریت و کره خاکی ما خواهد شد که چطور؟ بحثش در جای دیگر.

ولی در کشور ما برای به قدرت رساندن جناحهای جنگ طلب، راستگرا، امت گرا و فاشیست نوع طالب، داعش، گلبدین، ایشچی و غیره... دولت را باید ماهرانه با دموکراسی فورمالش بطرف سقوط سوق دهد. برای انجام این کار باید ذهنیت ها را در تمام ابعادش آماده سازند.

1 - در سطح جهانی و یا خارج کشوری، گروه را سرو سامان داده اند که از طریق تلویزیون آریانای جناب مسکینیار، بی کفایت بودن دولت را هر روز در ذهن مردم نقش ببندند. این شیوه را از نظر روانی فرمینگ یا چوکات سازی گویند که ذهن شنونده گانرا در این چوکات شیطانی محاصره نموده تا همه مردم آماده ای پذیرش آن شده و خواهان تغییر رژیم شوند، زلمی خلیل زاد با وحید الله وحید و سنای آمریکا نیز با انتقاد از دولت داخل میدان شده، طرح دولت مؤقت را تبلیغات و رسانه ای کردند.

2 - در داخل کشور دشمن شروع به تفرقه اندازی قومی نموده، نوکران خود را در اشکال مختلف داخل رسانه ها نمودند تا کشور را از یک طرف مصروف جدائی طلبی، بی اعتمادی و جنگ های قومی ساخته و از سوی دیگر احزاب را که صد فیصد نوکری نمیکند یا تابع بلا قید و شرط خود سازند یا به

پارچه ها تقسیم شان کنند. داستان حزب جدیدایشچی وجدائی از دوستم یکی از این نمونه هاست. این پروسه به شدت در تمام ابعاد جامعه در جریان میباشد. طبعاً قومی ساختن و یا شدن جنبش ها به صورت آگاهانه یعنی برنامه ریزی شده ، جز از این پروژه بوده و یا نا آگاهانه در خدمت این پروژه پنتاگون سمت داده میشوند. که امید وارم مسئولین جنبش های مردمی به این نقطه توجه نمایند .

3 – خوب ذهنیت سازیها در داخل وخارج هنوز در جریان است . پس ابزار سقوط دولت باید آماده شوند . این ابزار چیست ؟

آمدن گلبدین در صحنه ای سیاسی کشور یکی از ابزار هاست . او معتقد به امت است ، راست افراطی ، نوکر وفادا،جلاد کابل وقاتل هزاران وطنپرست روشنفکر وسرکوب گر جنبش های مردمی بوده ، کارهای استخباراتی را بلد میباشد. پس یک فیگور خوب برای انتقال جنگ در آسیای میانه ، حاکمیت راست افراطی در کشور وسرکوبگر هر نوع جنبش مقاومت است. اینکه منفورترین انسان در بین مردم است، تعیین کننده نبوده اما عمده است که خدا را شکر که چانس برد موجود است .

نامن ساختن اوضاع در پایتخت . با آمدن گلبدین در صحنه همانطور که بار ها اشاره کردم اوضاع به وخامت کشانده شده وذهنیت ها باز چوکات سازی میشوند تا همه آهسته آهسته از نظر فکری آماده ای پذیرش این وخامت اوضاع شوند. انفجار چارشنبه ده جوزا در چهار راهی زنبق، تدارک برای عصیان مردم پس از به شوک آوردن آنها بود که همینطور هم شد . عصیان برای چه ؟ علیه دولت مزدور وتا مغزاستخوان غرق در فساد . مردم دست به تظاهرات زدند ، تظاهرات توسط عمال دولت ویا جناح های جدا شده از دولت ویا عمال خود طراحان پروژه ، که همه جز لاینفک مدیریت آن یعنی رژیم چنج هستند ، به کج راه کشانده شده توسط نیروهای امنیتی به گلوله بسته شد، که سبب شهادت تعداد از هموطنان ما شد . روح شان شاد .اعتراضات در داخل وخارج ادامه پیدا کرد وهمه طرفدار تغییر شدند وجنبش در خیمه ها ادامه دارد.بهار عرب را همه بخاطر دارید که سرنوشتش چه شد.؟؟؟ دشمن بدینترتیب ذهنیت ها را آماده ای تغیر ساخته وحالا باید ابزار دیگر را داخل رسانه ها کنند.

گلبدین را آورند . حالا نوبت **طالبان** است . لطفاً این ویدو را ببینید



زنده گی تحت حاکمیت طالبان در هلمند برای آماده ساختن ذهنیت برای پذیرش طالبان

تا رسانه های خود فروخته چطور طالبانرا در حالیکه مردم در شوک ده جوزا وادامه اش هستند، برای پذیرش آنها از طرف مردم رسانه ئی میسازند. در قبال این تبلیغات ، هر روز صد تا دو صد طالب از طریق چهار ر آسیاب داخل کابل میشوند و هزاران طالب دگر بنام عضو حزب گلبدین از پاکستان داخل کشور شده جابجا میشوند . قرار گفته ای یکی از کارمندان پایگاه نظامی امریکا در بگرام، 8000 زندانی بنام طالب در بهترین شرائط در آن زندانهای نامنهاد زنده گی میکنند که همه برای نارامیها و تمام جنایات از آنجا مدیریت شده که یقیناً در تمام انفجارات و کشتار های بعدی تا رژیم پنج وبعد از آن نقش بازی خواهند کرد. افراد داعش منطقه ای توره بوره را تحت کنترول آورده وتلاش در آن است تا با مجهز ساختن آنها توسط هلیکوپتر های شب پرواز راه کابل جلال آباد را تحت کنترول آورده وکابل را از چهار طرف در محاصره کشیده ، با یک حمله ای تنظیم شده از بیرون وداخل ، نظام را بااعلان حالت اضطراری ، دولت مؤقت را عملی کنند ویا توسط کودتای قدرت را به ائتلاف داعش ، طالب ، گلبدین ، ایشچی ودیگر خود فروخته های جهادی تسلیم ومراحل استراتژیک بعدی را در عمل پیاده کنند.

دولت فعلاً جزء از پروژه ای رژیم پنج بوده در مدیریت آن شامل است ، که از یکطرف زمینه را برای آمدن برادران طالب وشركاء آماده ساخته واز سوی دیگر جنبش رستاخیز مقاومت را به كجراه كشانده وبا بهار عربی ساختنش آنرا طولانی مدت از نفس انداخته، بد نام ساخته ، بلاخره سرکوبش کند.که همین اکنون یکتعداد خیمه ها که زیادتیر به خیمه های عروسی میمانند واز طرف

احزاب بد نام تمویل میشود بیانگر این حقیقت تلخ است . اینکه چه برنامه های دیگری در راه است ، جریان تکامل اوضاع آنرا روشن خواهد کرد.

نتیجه گیری:

- 1 – مجتمع نظامی – صنعتی ، جناح حاکم قدرت در آمریکا است که با همقطاران شان در سطح جهان مشترک المنافع عمل میکنند. ناتوی عربی و ناتوی اروپای شرقی ، نمونه های این حاکمیت میباشد.
- 2 – دولت " وحدت ملی " ع و غ دوران کارائی اش ختم است . چون نمیتواند اهداف استراتژیک مجتمع نظامی – صنعتی آمریکا را برآورده سازد.
- 3 – تغییر رژیم یعنی از بین بردن دولت ع و غ با دموکراسی فورمالش و بقدرت رساندن راست افراطی معتقد به امت و دیکتاتوری مطلق ترکیبی در راه است. عدم درک این استراتژی دشمن ، تباه کن و نابود کننده خواهد بود .
- 4 - دولت خود جزاً از مدیریت این پروژه میباشد.
- 5 – براه انداختن ، سوء استفاده ، سرکوب و بکجراه کشاندن جنبش های بر حق مردمی جز از این پلانشها میباشد .

امید وارم هموطنان من را بکفر نگیرند که گویا همه جنبش ها چنین اند . خیزشها را باید چند بعدی مورد مطالعه ای علمی سیاسی قرار داد. باید بر احساسات غلبه نموده و دشمن حيله گر و نیرنگ باز را در هر چهره اش بشناسیم تا دچار اشتباهات جبران ناپذیر بهار های عربی ، اوکراینی و غیره نشویم .

حالا چاره چیست ؟ من فقط دیدگاه ام را مینویسم ، آنچه بدرد بخور است استفاده کنید ، اصلاح کنید ، تکمیل کنید ، کمک کنید تا راه باز گردد .

یک تذکر و خواهش : نقد و انتقاد بارش منفی است و از نظر عصبی – روانی – حیاتی پذیرای ساختارهای طبیعی دماغی ما نبوده تأثیراتش منفی است . پس کوشش کنید تا شیوه ای اصلاح ، تکمیل و کمک را پیشه گیرید.

پس چه تاکتیک و استراتژی را جنبشها انتخاب کنند و یا طرح کنند تا بتوانند روزنه ای امید باز شده و افق دلگرم کننده ای کشور را در آغوش گرمش نوازش داده ، صلح و اتحاد بر جنگ و نفاق غالب شود.؟؟؟

جواب ساده ای نیست . ولی خوب کوه هم سرش راه دارد.

به اعتقاد من **جنبش رستاخیز تغییر مراحل استراتژیک** خود را در ده مرحله بلی 10 مرحله طی خواهد کرد که مطابق هر مرحله **تاکتیک** هایش باید تدوین شود. ما به یک **جنبش علمی - اجتماعی و سیاسی** سر تا سری ضرورت داریم ، که در **ابعاد مختلف کار طولانی ، دوامدار و حرفوی** لازم دارد. کشور ما جز از مقاومت جهانی و در خط اول دفاع از آزادی ، استقلال و عدالت علیه **غرب جنگ طلب** قرار دارد. جنبش باید برای پیروزی کادر های حرفوی و ورزیده ای خود را متشکل ساخته و در تمام ابعاد زنده گی ، دشمن را به چالش گرفته ، از تمام **اشکال مبارزه** استفاده نموده و مطابق توان و قدرت تکامل جنبش مراحل استراتژیک خود را به سوی پیروزی باز کند. اگر طالع داشتیم و جنبش توانست خود را متشکل و قوی سازد که بتواند در انتخابات - در صورتیکه هنوز این دموکراسی فورمال وجود داشته باشد- شرکت نموده **واز راه و رسم آمریکای لاتین** استفاده کند ، یک امید است. به هر حال بدون داشتن **یک جبهه صلح و اتحاد ملی** بعنوان یک تشکل آگاه ، علمی و اجتماعی ، مشکل خواهد بود جنبش و مردم را در مسیر درست هدایت نمود . پس اولین شعار جنبش رستاخیز مقاومت باید دوری از هر نوع قوم پرستی بوده و تدارک تشکل جبهه ای سرتاسری ملی ، صلح و اتحاد را پیشه ساخته در جهت بنیان آن تلاش نماید.

« جنبش رستاخیز تغییر » را همگانی و ملی سازید . پیروزی از آن مردم برای آزادی ، استقلال و عدالت است.



خیمه ششم اعتراض کنندگان در شهر کابل

Aus dem Sputnik [Artikel](#)

ختم